Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۹۲۱
چهارشنبه / ۲۴ دی / ۱۴۰۴
۲۴ / رجب / ۱۴۴۷
14 / January / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ابافرد حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۲۱۰۰ امروز با حافظ

هم عفاالله صبا کز تو پیامی می‌داد
ور نه در کس نرسیدیم که از کوی تو بود
عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت
فتنه انگیز جهان غمزه جادوی تو بود

غزل

عمر که بی‌عشق رفت
هیچ حسابش مگیر
آب حیاتست عشق در
دل و جانش پذیر
مولانا

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۵:۴۷	۰۷:۱۵	۱۲:۱۵	۱۷:۱۵	۱۷:۲۵

برگه

بیشتر شکست‌های زندگی ناشی از تسلیم‌شدن در نقطه‌ای است که تنها چند گام تا پیروزی فاصله داشته است...
توماس ادیسون

گزارش روز

ویژه‌خوارانی که سفره مردم را گروگان گرفته‌اند

وضعیت کشور به گونه‌ای است که دولت باید برخی از تصمیمات بسیار مهم و تاریخی را به‌اجرا بگذارد نه برای اصلاح و توسعه و افق گشایی، بلکه برای حفاظت از نان و جان مردم و بازمانده دارایی و اعتباری که ممکن است خزانه دولت داشته‌باشد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اطلاعات، آنچه در حال رخ‌دادن در کشور گرامی ماست، از یک جهت تراژدی و از جهت دیگر برنامه‌ای است که مسیر هرگونه توسعه و اصلاح را به دست دولت منتخب و مدیران مملکت ببندند. این برنامه که اکنون منجر به ایجاد اعتراض و نارضایتی از یک سو، و اغتشاش و تخریب و خون‌ریزی از سوی دیگر شده، هم عوامل داخلی دارد و هم عوامل خارجی. تعارف و مجامله هم فایده ندارد زیرا هشتاد و چند میلیون ایرانی، یعنی ملت شریف و بزرگ ایران، سقف کوتاه معیشت و آینده خود را گروگان جماعتی از میلیاردرهایی می‌بینند که در مسیر فروش نفت، دورزدن تحریم‌ها، تبدیل و تهیه ارز و طلا و سرانجام در انحصار کالاهای اساسی و استراتژیک دست بالا را یافته‌اند و خود را شریک اموال ملت و بلکه صاحب آن تلقی می‌کنند. طبیعی است که اینان از ابتدا با روی کار آمدن فردی پاکدست و عدالتخواهی مانند مسعود پزشکیان مخالف بوده و هستند. پیاده نظام این الیگارشی ضد ملی ویژه‌خواران، همانا گروه‌های افراطی و هواداران یک جناح بی‌انعطاف و بسیار پرمدعایی هستند که از اصلاحات اقتصادی دولت ضربه می‌خورند. وضعیت کشور به گونه‌ای است که دولت باید برخی از تصمیمات بسیار مهم و تاریخی را به اجرا بگذارد. نه برای اصلاح و توسعه و افق گشایی، بلکه برای حفاظت از نان و جان مردم و بازمانده دارایی و اعتباری که ممکن است خزانه دولت داشته باشد. بالا رفتن نرخ ارز و دلار، پس از جنگ ۱۲ روزه و فعال شدن مکانیسم ماشه، کاملاً قابل پیش‌بینی بود. در آن زمان وزیر خارجه و تیم همراه متأسفانه نتوانستند ائتلاف و برنامه‌ای متناسب با شرایط جدید برای خنثی کردن این هجمه‌ها و مانع‌تراشی‌ها بیابند، و به شرایط برد ـ برد یا توازن نسبی یا اعتدال نوعی ارتباط و مذاکره بر مبنای چشم‌اندازهای حداقلی نیز نرسیدند. این وضعیت، دولت را در مضیقه‌های بسیار گرفتار کرد. مهم‌ترین تنگنا، دادن حقوق و تامین مایحتاج ضروری بر اساس تخصیص ارز به واردکنندگان کالاهای اساسی و ذخیره‌سازی برای پشتوانه چند ماه بعد بود.

اما عدم همکاری و کارشکنی خیانت‌آمیز برخی از این جریانات، یکباره ارزش نازل پول ملی را چنان تغییری داد که تنها با زمان جنگ‌های جهانی و قحطی‌های بزرگ قابل مقایسه است. چطور ممکن است که طی دو سه هفته چنین اتفاقی بیفتد و نه مانده رمق طبقه فقیر و متوسط ایران را به باد دهد؟ این سوال را باید از تراستی‌هایی پرسید که سال‌هاست از فروش طلای سیاه ایران سودهای کلان برده‌اند، اما طلای زرد را هم با خست و طمع‌ورزی وارد بازار کرده و ارز را هم با منت به دولت و خزانه یا بانک مرکزی تحویل می‌داده‌اند به هم خوردن توازن بازار، یکباره موجب شروع اعتراضات بازاریان و اصناف شد. اما چگونه دولت می‌تواند جوابگوی مطالبات اصناف باشد، در حالی که ارز کافی ندارد و همان مقدار را نیز باید به معامله‌گران حرفه‌ای بدهد که سال‌هاست از طریق صرافی‌های واسطه در شارجه و ابوظبی و دبی و گاهی هم استانبول وهرات، تبدیل می‌کنند و علاوه بر کسب درآمدهای افسانه‌ای، کالاهای ضروری را نیز به قیمت گزاف و با چندین واسطه وارد بازار کرده و رمق مردم و ته مانده دارایی ملت را نیز چپاول می‌کنند؟ دولت باید از همان ابتدای روی کار آمدن، با قدرت این برنامه را کلید می‌زد، اما حالا در شرایط پساجنگ و پساتحریم، کارها دشوارتر و عوارض و نتایج آن سخت‌تر خواهد بود. در حقیقت یک نوع ریسک بزرگ، اما اجتناب‌ناپذیر که عواقب خطیر و واکنش گسترده‌ای دارد، با این تصمیم همراه بود. اعتراضات در چنین شرایطی آغاز شد و مثل باز شدن جعبه پاندورا، بخش دیگری از مردم و جوانان ناراضی بدان پیوستند که متاسفانه التهاب شدیدی ایجاد کرد و برخی اغتشاشگران حرفه‌ای و مترصد شرایط نیز خشونت و تخریب را بدان وارد کردند. در این نقطه، باید ترتیبی اتخاذ می‌شد که صف معترضان و مردمان عادی یا جوانان هیجان‌زده، از تخریب‌گران و اغتشاشگران حرفه‌ای و مزدبگیر جدا می‌شد یا حداقل راهی برای شناخت اینها

یافته می‌شد. این فرصت با ادبیات تند برخی رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی و گروه‌های رقیب دولت، به سرعت زایل شد.

اعضای دولت اسرائیل و نخست‌وزیر جنایتکار آن، مسلماً اولین فرصت‌طلبانی بودند که همراهی با مأموران و مزدورانشان را در این هیاهو ادّعا کردند و پس از آن رئیس‌جمهور آمریکا و برخی مقامات ایالات متحده در این ماجرا ورود کرده و با تمهید ادعاهایی، تهدید کردند و کوشیدند بحران را تشدید نمایند. این دخالت‌ها و ادعاها البته نباید جدی گرفته می‌شد، زیرا کشور بر اثر ناترازی‌ها و جنگ و تحریم، وضعیت سختی دارد و دولت در ناهموارترین راه‌ها گام برداشته است.

دولت جنایت پیشه صهیون و نخست‌وزیر آدمکش آن رژیم، هیچ نسبتی با ما ایرانیان ندارند، خواه هوادار دولت و حکومت جمهوری اسلامی باشیم یا منتقد آن. در مورد دونالد ترامپ هم این قاعده برقرار است. پروپاگاندای این دو، برای ایجاد موج خشونت و حتی زمینه‌سازی جهت کشتن و ایجاد بلواهای بزرگ است که مردم کوچه و خیابان توان آن را می‌پردازند و ترازدی برخی خانواده‌های ایرانی بوده و هست.

به گمان نگارنده، به سرعت باید با مردم، از طریق صدای افراد قابل قبول و محبوب سخن گفت. پس از جنگ ۱۲ روزه، متأسفانه تا حدّ زیادی فرصت اصلاحات حداقلی هم از دست رفت. در آن بازه زمانی باید شکاف دولت ـ ملت کاهش بسیار می‌یافت و سهم ایران و ایرانی در سیاست و اقتصاد و فرهنگ و ارتباطات و فراغت بهبود پیدا می‌کرد. اما این حداقل‌ها هم به واسطه دخالت و کارشکنی انحصارطلبان و تنگ‌نظران به ملت داده نشد و باز کردن شبکه اجتماعی واتساپ هم پس از آن همه حرف و حدیث و وعده و وعید، مانند یک شوخی تلخ در افکار عموم و نزد مردم تلقی شد. مانع تراشی کردند و نگذاشتند مردم حتی بخشی از حقوق حقه و آزادی‌های مصرح قانونی را نیز تجربه کنند!

با این همه، دولت از کار باز نماند و پزشکیان و تیم اقتصادی و بهداشتی و فرهنگی هر چه در توان داشتند به کار گرفتند تا روزنی برای حل معضلات بنیادی جسته و باری از دوش مردم و مملکت برداشته شود. حمایت از دولت در این شرایط بسیار ضروری است و به رغم انتقاداتی که نسبت به برخی وزرا و حتی معاونان پزشکیان وجود دارد، این دولت، مهم‌ترین کابینه در حساس‌ترین شرایط کشور عزیزمان ایران است، دولتی که هیچ رسانه رسمی و ویژه‌ای ندارد. شکست دولت، یعنی پیروزی الیگارشی یا مافیای کاسبان تحریم و جریانات افراطی و این یعنی ایجاد ناامیدی از صندوق رأی و نابودی جمهوریت و حق انتخاب ملت! همه این مسائل نشان می‌دهد که چقدر در انجام اصلاحات ضروری غفلت شده و کارهایی که سال‌ها و دهه‌ها پیش می‌توانست کشور را ثروتمند و قدرتمند کند و مردم را در بهترین شرایط و متعادل‌ترین زندگی پشتیبانی نماید، به دلایل سیاسی یا تغافل و کارشکنی، صورت نگرفت و امروز باید به جراحی دردناک و خون‌آلود تن دهیم. صدای اصلاحات اما باید متناسب باشد با امیدها و آرزوها و شخصیت ملت ایران، نه آنکه با ادبیات چند دهه پیش و با وارونه‌سازی حقایق، نسل جدید را برافروخت و ناراضی ساخت. نسلی که یک ورزشگاه خوب و بزرگ هم از او دریغ شده و آرزوی مسکن و خودرو برایش به امر محال بدل شده است. بفهمیم و شکیبا باشیم و فکر چاره کنیم. امروز اجتماع عمومی اعلام شده که هدف آن باید وحدت ملی و مودت میان اقشار مردم و اصناف و طبقات کشورمان باشد. اگر کسی بجز این هدف گام نهد و شعار دهد، باید در صداقتش تردید کرد. همه باید بدانند خط قرمزی که نمی‌توان از آن رد شد، جان و مال و حیثیت ملت و تمامیت ارضی و احترام ایران است. مردم نجیب و شریفی که بهترین مردمان گیتی‌اند و به فرموده خداوند، به راستی صفت آنها این است: تَعرِفُهُم بِسیماهُم لایسألُونَ النّاسَ الحافاً. فَانَّ اللهَ بِهِ عَلیم: (آنها را از سیمایشان می‌شناسی و چیزی از دیگران نمی‌طلبند. به راستی خداوند بدان آگاه است). عنوان این یادداشت، مصرعی از استاد و حکیم بزرگ ایران ابوالقاسم فردوسی است، به ابیات و اندرزوی، سخن را تمام و نیایش می‌کنم که خداوند ایران، میهن و فرزندان آن را حفظ فرماید:

بکوشیم تا رنج‌ها کم کنیم
دل غمگنان شاد و بی‌غم کنیم
که گیتی فراوان نماند به کس
بی‌آزاری و داد جویید و بس

برش

راهنمای سلامت روان در شرایط بحرانی برای سالمندان

در بحران‌ها، سالمندان نیازمند توجه ویژه هستند. صحبت با زبان ساده، مداخلات مبتنی بر آرام‌سازی و ایجاد محیطی امن و مراقبت روانی مداوم برای سالمندان توصیه می‌شود. تکنیک‌هایی وجود دارند که با تمرکز بر تنظیم روانی و جسمی، به افراد کمک می‌کنند تا با چالش‌های روانی ناشی از بحران و فروپاشی عاطفی مقابله کنند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، در شرایط خاص، بیش از هر زمان دیگری لازم است از سلامت روان خود و اطرافیان‌مان مراقبت کنیم. هم‌چنین باید بیش از پیش حواسمان به سالمندان، به‌ویژه سالمندان تنها، باشد. چرا که روزهای بحرانی و حوادث همراه آن، نه‌تنها سلامت جسمی را تهدید می‌کند، بلکه سلامت روانی را نیز در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهد: ترس، اضطراب، ناتوانی، درماندگی، سوگ، بی‌خوابی و بسیاری احساسات دیگر، بخشی از تجربه روانی افراد در بحران‌هاست.

در سنین سالمندی، سلامت روان به اندازه سلامت جسمی مهم است. ناآرامی و بحران می‌تواند باعث ایجاد سطوح بالایی از استرس، اضطراب و افسردگی شود. بنابراین، توجه منظم به وضعیت روانی برای جلوگیری از خستگی عاطفی مهم است. مراقبت از خود به حفظ شفافیت ذهن، حمایت از خلق و خوی مثبت و کاهش تأثیر منفی موقعیت‌های استرس‌زا کمک می‌کند.

وقتی از سلامت خود مراقبت می‌کنیم، نه تنها نشاط خود را افزایش می‌دهیم، بلکه به یک پشتیبان قابل اعتماد برای اطرافیانمان نیز تبدیل می‌شویم. مهم است به یاد داشته باشیم که رفاه ما بر عزیزان، خانواده و دوستانمان تأثیر می‌گذارد.

روحیه قوی و سالم، کلید توانایی ما در غلبه بر مشکلات و حمایت از دیگران است.

نکاتی که در ادامه می‌آید، می‌تواند به کاهش آسیب‌های روانی ناشی از بحران و تقویت سازگاری در این شرایط دشوار به سالمندان کمک کند:

۱. احساسات خود را بپذیرید، سرکوب نکنید
۲. به اطلاعات موثق و محدود دسترسی داشته باشید
۳. از ارتباط انسانی غافل نشوید
۴. روال زندگی را تا حد امکان حفظ کنید
۵. تکنیک‌های ساده آرام‌سازی را تمرین کنید
۶. به قدر نیاز بخوابید
۷. در صورت نیاز، از کمک حرفه‌ای استفاده کنید

در ایران، خدمات روان‌شناسی زیادی به صورت حضوری یا تلفنی، مانند خط ۱۴۸۰ سازمان بهزیستی کشور ارائه می‌شود و مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره انجمن روان‌شناسی ایران با آدرس (https://iranpa.org/clinic) از جمله این مراکز است.

اشاره

بالاخره باید اقدام اساسی در ساختار اقتصادی-اجتماعی کرد یا نه؟

به نظر می‌رسد مطالبات اعتراضی و شکاف در جامعه ایران به اقدام اساسی نکردن برای اصلاح ساختار برمی‌گردد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از شرق، آیا باید اقدام اساسی در ساختار اقتصادی-اجتماعی به عمل آورد یا خیر؟ اقدام‌نکردن برای اصلاح و تغییرات اساسی مسئله‌است یا اقدام کردن؟ برخی تصور می‌کنند اقدام اساسی برای اصلاح ساختار تهدید است. در مقابل برخی دیگر معتقدند اقدام اساسی نکردن تهدید بیشتری دارد.

گروهی بر این دیدگاه هستند که فقدان اصلاح و اقدام بنیادی، مطالبات اعتراضی را به‌ویژه در حوزه اقتصاد به دنبال دارد. افراد در فقدان تغییرات اساسی به اقدامات اعتراضی تمسک می‌جویند، بنابراین جلوگیری از رادیکالیزه‌شدن توده‌ها توجیهی است برای اقدامات اساسی و تدارک دولت رفاه.

تصور گروهی دیگر این است که چنین تغییرات اساسی خطاست و خطری برای ساختار به شمار می‌آید. به عبارتی آنها اقدام بنیادی را مخاطره‌آمیز می‌دانند که باید درباره ریسک‌های آن هوشیار بود، بنابراین دو دیدگاه متفاوت درباره وضعیت شکل گرفته است:

الف- دیدگاه اقدام‌کردن که بر خطر اقدام‌نکردن پافشاری می‌کند.

ب- دیدگاه اقدام‌نکردن که بر خطر اقدام‌کردن هشدار می‌دهد.

آلبرت هیرشمن، اندیشمند مشهور علوم اجتماعی، می‌گوید هم اقدام‌کردن و هم اقدام‌نکردن خطرها و ریسک‌هایی دارد. هر دو را باید بررسی و سبک‌وسنگین کرد، اما به نظر می‌رسد اقدام اساسی نکردن برای اصلاح ساختار خطر بیشتری دارد و دارای طرفداران بیشتری است. اما این سؤال اساسی پیش‌روی آنها قرار دارد که اقدام بنیادی را چگونه و از کجا باید شروع کرد. در این زمینه اختلاف‌نظرها بسیار است. براساس این استدلال نه‌تنها اقدامات اساسی لازم است، بلکه باید قریب‌الوقوع باشد؛ یعنی باید اقدام عاجل کرد. در غیراین‌صورت خطرهایی برای ساختار به دنبال دارد.

گروه سومی هم هستند که با رویکرد میشلز، از نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، همراه هستند. میشلز تصور می‌کند قانون آهنینی بر دنیای اجتماعی حاکم است که براساس آن هر اقدامی برای توزیع ثروت و قدرت به شکست می‌انجامد و نهایتاً گروه کوچکی قدرت و ثروت را در اختیار دارند. حتی در حکومت‌های دموکراتیک نیز چنین است. به عنوان مثال میلز، جامعه‌شناس معروف آمریکایی، معتقد است نخبگان ثروت و قدرت بر آمریکا حکومت می‌کنند و هیچ تغییری در آن رخ نمی‌دهد. این نظریه در مقابل دیدگاه ترقی‌خواهان است. برخی که اقدام عاجل کردن برای تغییرات اساسی را پیشنهاد می‌کنند، معتقدند سیاست‌های نوآور و شکل‌دهی مجدد به نهادها لازم است. حامیان تغییرات اساسی و بنیادی در ساختار معتقدند نباید در مخمصه اقدام‌نکردن گرفتار شد و همچنین اقدامات سطحی برای حل مشکلات به شکست انجامیده است. به نظر می‌رسد مطالبات اعتراضی و شکاف در جامعه ایران به اقدام اساسی نکردن برای اصلاح ساختار برمی‌گردد. درنهایت باید گفت اقدام‌نکردن مخاطره‌آمیز است.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای پرویز ملک نیا به عنوان مدیرعامل شرکت تعاونی چند منظوره عام ایثارگران صنعت نفت وگاز به موجب نامه شماره ۱۴۰۳۲۰۴۳۱۲۳۶۰۰۸۹۲۳ مورخ ۱۴۰۳/۹/۱۰ آگهی تغییرات شرکت و وکالتنامه شماره ۷۶۱۴۳ مورخ ۱۴۰۴/۷/۱۳ دفترخانه ۴۷۸ تهران ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۳۲۰ مترمربع قطعه ۸۳۲ تفکیکی پلاک ۳۷۵ فرعی از ۳۶۵ اصلی واقع در اراضی قریه قره آقاج حوزه ثبتی ناحیه ۲ کرج ذیل صفحه ۴۲۶ دفتر ۱۰۲۴ به شماره چاپی ۳۲۰۹۵۹ بنام حاج مرتضی محمدیان ثبت و صادر شده است سپس مع الواسطه برابر سند ۹۲۷۸۵ مورخ ۷۴/۱۲/۲۴ دفترخانه ۹۵ تهران به موسسه بنیاد تعاون مرکز با شماره ثبت ۳۱۹۸۸ منتقل وذیل صفحه ۲۳۲ دفتر ۸۱ ثبت گردیده است بموجب شماره ۱۴۰۰۴۷۹۹۰۰۲۴۹۸۸۹۷۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۷ صادره از شعبه اول اجرای احکام مدنی شهرستان ساری بازداشت موقت است که به علت جابه جایی دفاتر سند مالکیت مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت دریک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود ویا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود ویا درصورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۲۰۹۶۳۲۷